

# برآمد باد صبح و بوی نوروز



کبری محمودی

روزهای آخر اسفند، هوا دیگر کاملاً بوی عید می‌دهد؛ بوی تازگی، بوی زندگی، حتی بوی تند مواد شوینده و صدای باغبانی که با فریادش مژده‌ی آمدن بهار را می‌دهد: «باغبونم باغبون». گوشه‌کنار بازار شب عید ماهی قرمز کوچکی چشمکی می‌زند و نوید آمدن عید را می‌دهد. هم‌نشینی سیر و سرکه و سبزه و سماق و سمنو تحسین‌برانگیز است. بهار است دیگر! ناز و ادایش خریدنی است. جنس تازه می‌فروشد. آسمانش که بغض می‌کند، باید فکری برای دلت بکنی و گرنه گریه‌اش امانت نمی‌دهد. آفتاب و مهتابش به شیرینی بازی کودکانی است که حکیمانه زندگی را به هیچ انگاشته‌اند. بر هیچ کدامش اعتمادی نیست.

بهار که می‌رسد، امید است که جوانه می‌زند بر دل‌هایمان و شور زندگی است که بی‌امان غوغا به پا می‌کند. هر کدام از این‌ها را که نادیده بگیریم، از باد بهار نمی‌توان گذشت. خدادار کالبد طبیعت می‌دمد؛ همچنان که در انسان دمید و او را جانشین خود کرد: «وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي».



انگار خداوند از همان روح به کالبد بهار نیز دمیده است! برای همین بهار با این همه عشوه و ناز بر دیگر فصل‌ها فخر می‌فروشد.

لباس نو، سبزه و سماق و سمنو بهانه‌ای است تا روح و فکر تو بهاری شود. نو شود و نو بیندیشد.

در اولین سال از آغاز قرن جدید، پنجره‌های بسته‌ی ذهن و دلت را باز کن و اجازه بده تازگی بهار در درون تو بیچند، غوغا به پا کند، شور بیافریند، تلنگر بزند و مرده زنده کند. شاخ و برگ افکارت را به تحرک در آور. برق هیجان را به چشمانت مهمان کن. با جاروی اندیشه ذهنت را رفت‌وروب کن. اجازه بده بادهای تردید در کوچه‌های ذهنت بیچند و گره‌ها را بگشایند. شکوفه‌های نورسته در ذهنت را پرورش ده. با بهار زنده شو و زندگی کن تا صدساله‌ی به از این سال‌ها شود. شاید هر ذهن فقط یک بهار داشته باشد. بهارت را دریاب!

## نوروز

حتی پیش از آنکه خیام چرخش زمین به دور خورشید را تا ۱۶ رقم اعشار محاسبه کند و اعتدال بهاری و زمان دقیق آغاز بهار را با کمترین میزان خطا بسنجد، یعنی از هزاران سال پیش، در فلات ایران، در روزی، ساعتی و حتی لحظه‌ای مشخص، آغازی نور را جشن می‌گرفتند؛ جشنی با مضمون تغییر به سمت بهروزی؛ از سرما و سفیدی به طراوت و سرسبزی؛

دست کم در طول تاریخ این سرزمین، یک رویداد و یک اتفاق بزرگ ملی برای تمام ایرانیان ثابت ماند. میراث «نوروز» در دوران اسلامی، در عصر خلفای عباسی، در حمله مغول و در زمان صفویان دوام آورد و به مردم امروز رسید.

ایرانیان آغاز بهار را جشن می‌گیرند، تعطیل می‌کنند و به دید و بازدید می‌روند. در اسلام در تأیید این زمان دعا و نیایشی ویژه آن وجود دارد. نوروز بخشی اساسی از هویت ایران و ایرانی است.

«کیستی یا هویت» مجموعه‌ی نگرش‌ها،

ویژگی‌ها و روحیات فرد است و آنچه وی را از دیگران متمایز می‌کند. مجموعه‌ای است از خصوصیات و مشخصات اساسی اجتماعی، روانی، فرهنگی، فلسفی، زیستی و تاریخی همسان که فردی را از سایر گروه‌ها و افراد متعلق به آن‌ها متمایز می‌کند.

همان‌طور که شناسنامه را ورقه‌ی هویت می‌دانند، برای ملت و کشور هم هویت در حکم شناسنامه است. فرد یا کشوری هم که هویت او روشن نباشد، سست می‌شود و مردم آن از تاریخ و تمدن احساس جدایی می‌کنند.

اما هویت ایرانی، حسی جمعی در مردمان ایرانی متعلق به سرزمین‌های تاریخی ایران است و هم از نظر جغرافیایی و هم از نظر تاریخی تعریف می‌شود. این هویت از سه حوزه تأثیر پذیرفته است: جغرافیا و سرزمین؛ زبان فارسی؛ دین اسلام.

## نوروز ایرانی - اسلامی

این ملت با ظهور اسلام و رسالت آخرین پیامبر عظیم‌الشأن، به دیانت مقبول، که همان اسلام است، گروید و در تمدن اسلامی سهم اساسی یافت. هویت ایرانی با تمام مختصات و خصوصیات اسلامی به هم آمیخت و تکامل پیدا کرد. جدا از ماقبل تاریخ، ایران بیش از چندین قرن دوره‌ی تاریخ مدون دارد و از این دوران، پانزده قرن آن را با اسلام به سر برده است. این دین در متن زندگی ایرانیان جای دارد و جزئی جدانشدنی از زندگی آن‌هاست و مردم ما در جزء جزء زندگی، از تولد تا مرگ و پس از آن، تسلیم آن بوده‌اند. به خاطر وجود قرآن، تاریخ، ادبیات، اقتصاد، سیاست، قضاوت و دادگستری، فرهنگ و تمدن، شهر و روستا و مراسم ازدواج و زندگی مشترک ایرانیان با احکام این دین توأم بوده است. واقعیت این است که مردم ایران، هم مسلمان‌اند و هم ایرانی. هویت آن‌ها از این دو منبع نمی‌تواند جدا باشد.

در این شماره از مجله، به بهانه‌ی رسیدن به روزهای آخر سال و استقبال از سال نو، و مقارن شدن آن با شعبان پر از جشن و سرور، تجلی هویت ایرانی اسلامی‌مان را به گفت‌وگو خواهیم نشست. با ما همراه شوید.